

جبهه



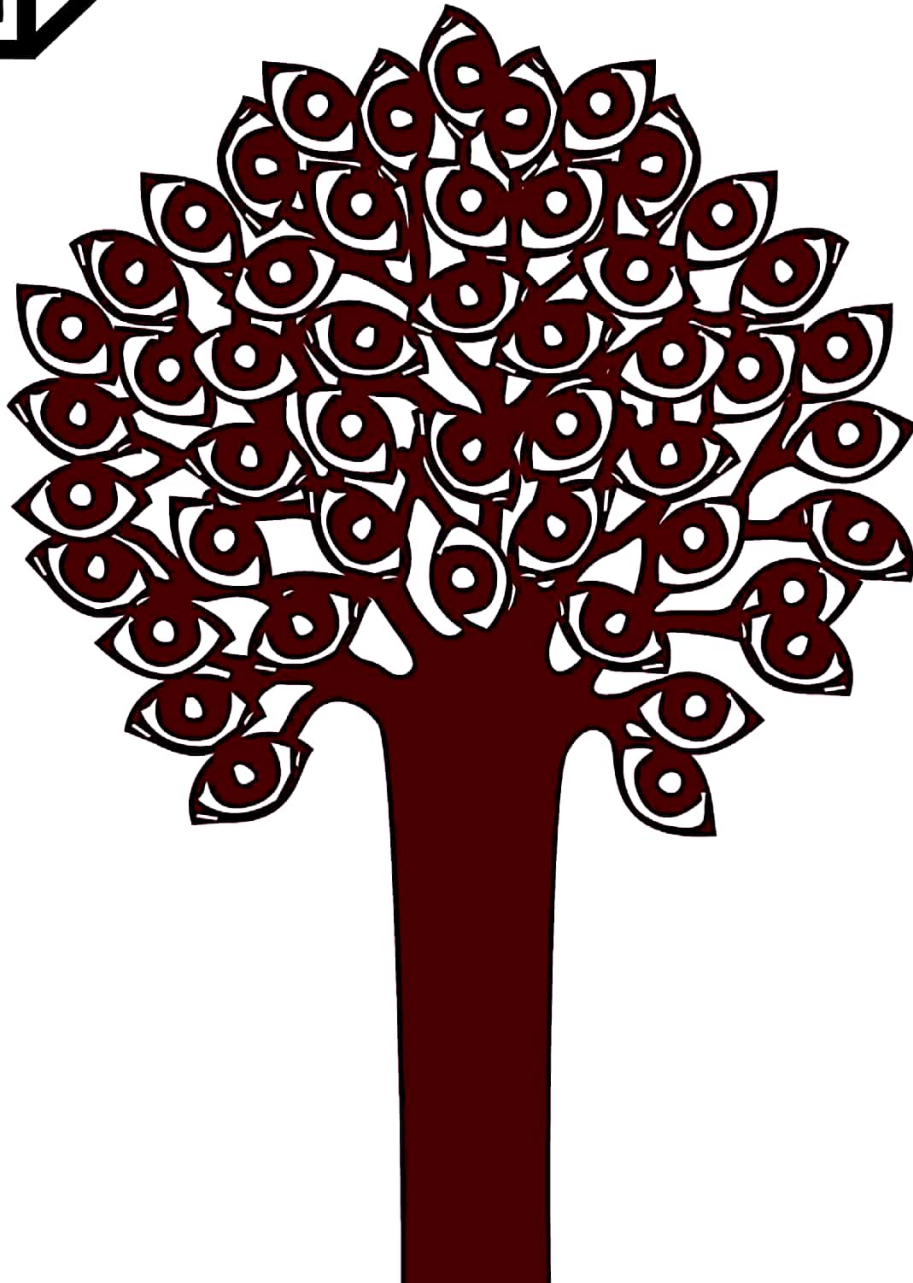
تشکیل دهیاد

متن سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی



۱۳۹۳/۱۲/۱۲

در جمع فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی



ما خیلی چشم انتظار شماها بودیم!

خیلی جلسه شیرین و مطلوبی شد امروز بحمدالله؛ برادران عزیز با بیانات خودشان یک دریچه‌ای باز کردند به یک دنیای زیبایی از وضعیت مطلوب فرهنگی و همچنین نشانه‌های بسیار خوب و امیدوارکننده‌ای را دادند از انگیزه‌های جوشان و متراکمی که در این نسل جوان ما الحمدلله هست. آنچه که بنده وظیفه دارم انجام دهم در درجه اول، شکر خداست. ما خیلی چشم انتظار شماها بودیم در طول چندین سال. الحمدلله شماها رسیدید و آمدید؛ خدا را شکر. حدس ما هم همین بود.

این دوستان پیشکسوتی که مشاهده می‌کنید، در یک دوره‌هایی (که ما از نزدیک این برادران پیشکسوت هنری و فرهنگی را خیلی‌شان را از نزدیک می‌شناسیم) در یک دوره‌ای واقعا در اقلیت بودند، در غربت بودند؛ هر کدام‌شان، چه در دنیای ادبیات، چه در دنیای هنر و بقیه عرصه‌های فرهنگی. امروز الحمدلله شما جوانان آمدید توی میدان و من پیش بینی می‌کردم، امیدوار

بودم که یک چنین اتفاقی بیفتد. یک وقتی هم در نماز جمعه اشاره کردم، سال‌ها پیش؛ شاید ده-دوازده سال پیش، گفتم که بعضی‌ها می‌گویند ریزش داریم، من هم قبول دارم ریزش‌ها را، اما معتقدم رویش‌ها از ریزش‌ها قوی‌تر و ان شاء الله پربرکت‌تر است. الحمدلله همین هم شده. ان شاء الله موفق و موید باشید.

حسن این گزارش‌های شما، هم این بود که پرمطلب و در واقع کم‌حجم بود؛ ... آدم احساس می‌کند که آنچه پشت این گزارش‌ها، پشت این الفاظ، وجود دارد در ذهن‌ها و در دل‌ها، خیلی وسیع‌تر و شاید عمیق‌تر است. حالا وسعتش که قطعی است؛ از آن چیزی که در الفاظ و کلمات بیان می‌شود.

نگرانی حقیقی بنده؛ نگرانی فرهنگی است

من اولین مطلبی که می‌خواهم عرض بکنم به شما این است که در زمینه فرهنگی، ... درست از قول بنده نقل کردند که حقیقتاً بنده نگرانی‌ام در طول سال‌های متمادی، بیش از نگرانی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، نگرانی فرهنگی بود. علت هم برای شما واضح است، البته برای خیلی‌ها واضح نیست، اما شما خودتان اهل فرهنگید می‌دانید که فرهنگ هواست، اگر این هوا سالم بود یک بدن مستعد با تنفس آن، خوب انرژی می‌گیرد، اگر هوا مسموم بود آدم‌های سالم هم صرف تنفس در این هوا، مریض می‌شوند. ناتوان می‌شوند، معلول می‌شوند، فرهنگ یک چنین حالتی دارد.

پشت این حوادث و آفت‌های فرهنگی یک برنامه‌ریزی احساس می‌شود

این نگرانی یک نگرانی به جایی بود. این نگرانی‌های بنده از روی آشنایی و آگاهی و واقعیت‌های جامعه بود، توهمات نبود. آن چیزی که من در مجموع احساس کردم در این سال‌های متمادی این است که، این کارهای فرهنگی که در واقع ناهنجاری‌های فرهنگی که در گفتار، در آثار فرهنگی و در رفتار مشاهده می‌شود نه اینکه بخواهیم بگوییم که همه‌اش را دشمنان دارند ترتیب می‌دهند و تزریق می‌کنند، این را نمی‌شود گفت؛ لکن پشت این ناهنجاری‌ها یک برنامه وجود دارد. انسان این را احساس می‌کند، یعنی این طور نیست! حالا گاهی اوقات است که فرض بفرمایید در یک جمع، یک آدمی بی‌خیال و مست که کارهای عجیب و غریب انجام می‌دهد، نمی‌شود گفت که این حرکتی که این آدم ناباب یا مست یا بی‌خیال انجام داد این را قبلاً بهش دستور دادند مثل یک هنرپیشه، که می‌گویند این کار را بکن انجام داده؛ نه! لکن گاهی اوقات پشت صحنه یک نفر، دو نفر نشسته‌اند، این حرکات را رصد می‌کنند، و آن جایی که باید تشدید کرد، تشدید می‌کنند؛ آنجایی که باید تضعیف کرد، تضعیف می‌کنند؛ آن جایی که باید باهم جفت و جور کرد، جفت و جور می‌کنند. یک برنامه‌ریزی را انسان احساس می‌کند پشت این حوادث فرهنگی و آفت‌های فرهنگی که سر راه ما پیدا شده در طول این زمان‌ها.

بایستی جبهه تشکیل داد

وقتی انسان نقطه مقابل خودش را نگاه می‌کند، یک جبهه‌ای می‌بیند. ما در مقابل مان جبهه فرهنگی-سیاسی غرب وجود دارد که در دل این جبهه، باز یک جبهه سرمایه‌داری خطرناک و آدم‌خوار وجود دارد، باز در کنار این، یک جبهه صهیونیستی با اهداف مشخص وجود دارد، باز در کنار این، یک جبهه ارتجاع فکری و خوک صفتی در زندگی بشری وجود دارد، سلاطین و این مسئولان و متولیان امور خیلی از حکومت‌ها، زندگی حیوانی‌شان مثل خوک و اهدافشان، اهداف دشمنان و فکرشان، فکرهای متحجر، که این‌ها همه یک مجموعه‌ای را تشکیل دادند در مقابل ما؛ یک جبهه هستند، ما اگر بخواهیم در مقابل این جبهه کار کنیم هم ما باید تنوع داشته باشیم، هم باید ابتکار داشته باشیم، هم باید انگیزه داشته باشیم، هم باید برنامه داشته باشیم، کارمان هدایت شده باشد و این نمی‌شود مگر با تشکیل جبهه. این طرف هم بایستی جبهه تشکیل داد. از افراد و حتی مجموعه‌ها به تنهایی کار بر نمی‌آید، باید یک کار وسیع جبهه‌ای انجام داد، این کار هم جز با حضور مردم امکان ندارد؛ یعنی ابتکارات مردم خیلی از کارها را می‌کند.

متشکل کردن تشکل های مردمی؛ حرکتی عظیم و کاری مبارک

حالا شما آمارهایی دادید که برای من جدید بود، من این آمارها را نمی دانستم، اما می دانستم یک حجم عظیمی از فعالیت های مردمی در زمینه های فرهنگی وجود دارد. در طول این سال ها به افراد متعددی هم، من تکلیف کردم، که بروید این تشکل های مردمی، این مجموعه ها، این واحدهای مردمی را که دارند خودشان کار فرهنگی می کنند، بروید این ها را پیدا کنید، تشویق کنید، متشکل کنید، پشتیبانی ممکن، در حدود ممکن پشتیبانی کنید، نتوانستند. آن کسانی که بنده به آنها تکلیف کردم نتوانستند. یک چنین حرکت عظیمی لازم است، خوب حالا شما وارد این میدان شدید، این مسئولیت را به عهده گرفتید، بسیار کار خوبی است، بسیار کار مبارکی است.

تقدم ابتکارات اشخاص و جوشش‌های فردی و درونی

لوازمی دارد این کار؛ یک لوازمی دارد که این لوازم را باید رعایت کرد. البته من در همین جا هم به شما عرض بکنم که تقدم ابتکارات اشخاص را و جوشش‌های فردی و درونی آدم‌های متنوع را به آنچه که حالا به صورت متمرکز به ذهن بنده و امثال بنده ممکن است بیاید، این تقدم را من قبول دارم. یعنی معتقدم آنچه که از مجموعه شماها بر می‌آید راقی‌تر و عمیق‌تر از آن چیزی است که به ذهن من می‌رسد، لکن چیزهایی هم به ذهن من می‌آید که می‌خواهم بگویم که به آن توجه کنید.

آفت شناسی کار، جزء واجب‌ترین کارهاست

یک مسأله این است که وقتی شما یک حرکتی به این عظمت را شروع می‌کنید، کار، خیلی کار بزرگی شما شروع کردید، ابعاد این کار خیلی ابعاد وسیع و بزرگی است. از جمله اولین کارهایی که باید انجام بدهید این است که یک جایی برای آفت شناسی این کار بگذارید. چون کار بزرگ است و وقتی کار بزرگ بود، آفتش هم خسارت‌بار است. از همین اول کار، شما نگاه کنید ببینید این کار وسیع و عظیم شما، چه آفت‌هایی می‌تواند پیدا کند. این به نظر من از واجب‌ترین کارها است. اینکه از اول این کار، نگاه کنید این کار عظیم شما چه آفت‌هایی می‌تواند پیدا کند، به نظر من جزء واجب‌ترین کارهاست. ما داشتیم؛ مجموعه‌هایی البته نه با این وسعت، که خوب شروع کردند، لکن خوب تمام نکردند؛ نمونه‌هایی از این قبیل ما داشتیم، متعدد هم داشتیم.

اگر مراقبت نکنید و از اول آفت‌ها را نبینید با دقت تمام، گرفتار خواهید شد. آفات هم به خصوص در زمینه‌های فرهنگی، تدریجی وارد می‌شوند. یک‌باره و چشم‌گیر وارد نمی‌شوند، به تدریج می‌آیند. یک وقت انسان احساس می‌کند که یک ضربه سختی خورده که تدارکش دشوار خواهد بود. این یکی از توصیه‌های بنده است که به آن توجه کنید.

احتیاج به یک کار به شدت قوی و عمیق نظری و نرم‌افزاری

یک توصیه دیگر که این هم به نظر من خیلی مهم است، البته شما در گزارش‌تان اشاره کردید که به این توجه داشتید من می‌خواهم تأکید کنم، این است که این چنین کار بزرگ و گسترده‌ای، پشتوانه فکری و نظری بسیار محکمی لازم دارد. اگر این پشتوانه فکری و نظری را نداشتید، وسط راه، تشکیلات‌تان در درون خودش ممکن است دچار انحراف بشود، دچار رکود و ارتجاع بشود. اگر این پشتوانه فکری وجود نداشته نباشد، این خطرها در کمین شماست. یک کار به شدت قوی و عمیق نظری و نرم‌افزاری حتماً احتیاج دارید. ... من وزن این کار عمیق و وسیعی را که شما شروع کردید، خیلی وزن سنگینی می‌بینم که این به نظر من می‌رسد که این پشتوانه فکری و فرهنگی بایستی خیلی مورد اطمینان باشد. اگر نشد، دچار سطحی‌نگری می‌شوید، دچار انحراف می‌شوید. نه این که شما منحرف بشوید، تشکیلات‌تان آفت انحراف پیدا خواهد کرد، آفت سطحی‌نگری پیدا خواهد کرد، آفت تکرار پیدا خواهد کرد، احیاناً آفت تحجرهای خطرناک پیدا خواهد کرد. این هم یک نکته‌ای است که باید به آن توجه بکنید.

سر خودتان را خیلی شلوغ نکنید! نگاه کنید ببینید اولویت‌ها چیست؟

یک نکته دیگری که وجود دارد بحث اولویت‌هاست. نگاه کنید ببینید چه کاری زمین مانده است. حالا یک وقتی هست یک مجموعه‌ای دارند کاری را خودشان انجام می‌دهند، شما برای آن نظیری هم سراغ ندارید؛ خوب پشتیبانی می‌کنید، اشکالی هم ندارد. چنانچه هر جا ملاحظه کردید این کاری که شما می‌خواهید انجام دهید قبلاً یک جای دیگری برای این کار تدارک دیده شده، خوب اقدام اول این است بروید سراغ آنجا، ببینید این تدارک، تدارک کافی و قانع‌کننده‌ای هست یا نیست. اگر بود، بار از دوش شما برداشته شده است و شما توجه‌تان را به آنجا جلب کنید، تشکیلات و افراد را هم به آنجا ارجاع می‌دهید. اگر نبود، سعی می‌کنید تکمیل کنید. کم پیش می‌آید که انسان یک مرکزی را به این شکل پیدا بکند بعد ببیند که صد در صد نمی‌شود

با آن همکاری کرد. آن وقت مجبوریم یک کار تأسیسی به وجود بیاوریم، که البته معلوم نیست زیاد از این قبیل موارد پیش بیاید، حالا مثلاً فرض کنید نمونه روشنش کار تبلیغ است که شما اشاره کردید. این که شما به فکر کار تبلیغ هستید خیلی خوب است، لکن دوجور کار است. یک جور کار مثلاً کار حجاب و مدرسه که ما هیچ جا نظیرش را نداریم، یعنی این یک کار کاملاً جدیدی است و در آن موازی کاری علی‌الاجاله حالاً‌حالاها قابل تصور نیست؛ به خاطر این که حالا یک زوجی پیدا شدند که مثلاً ده تا مدرسه را پوشش می‌دهند اگر ده تا زوج همراه با این‌ها شدند، صد تا مدرسه را پوشش خواهند داد، صد تا مدرسه از هزاران مدرسه در کشور کم است، مابقی‌اش هنوز به کار احتیاج دارد. یا مثلاً آن کاری که گفتید مثل فرستادن مبلغ در مترو و جاهایی که گفتید، جدید است و کارهایی است که نظیر ندارد، لکن یک وقت بحث فرستادن مبلغ است، الان دوستان حوزه و یا همین دوستانی که اشاره کردید تشریف دارند می‌دانند در حوزه کارهای تبلیغاتی زیادی انجام می‌گیرد حتی آنجاها موازی کاری بود، ما به بعضی از مجموعه‌ها گفتیم اعزام مبلغ نکنند. بنشینند برای اعزام مبلغ برنامه‌ریزی کنند. یعنی دیدیم یک خلایی وجود دارد گفتیم این کار را بکنید. شما نگاه کنید ببینید خلأ کجاست، آن خلأ را پر کنید. یا در زمینه مسائل قرآنی هم همین جور است. تفصیلات را حالا

خود شما باید بگردید پیدا کنید. منظور این است که موازی کاری به معنای دوباره کاری درست نیست. حالا نه این که هر کار موازی غلط باشد. نه! گاهی کارهای موازی چون نیاز زیاد است، لازم است، اما دوباره کاری ها و اضافه کاری های بی منطق را مواظب باشید پیش نیاید و جلوییش را بگیرید.

در همین کار بسیار خوب سایبری که ایشان اشاره کردند به وجود آمده و کارهای بسیار خوبی انجام گرفته، خوب این مرکزی که تشکیل شد برای سایبری، مراقب باشید ناهماهنگی بوجود نیاید. یعنی یک کاری انجام نگیرد که در جایی دیگر هم آن کار دارد انجام می گیرد، یعنی کاملاً همدیگر را بیوشانند. بنابراین این هم مسأله مهمی است که سرخودتان را خیلی شلوغ نکنید به کارهایی که دیگران هم دارند انجام می دهند و یک گوشه چشمی می تواند خلأیی را یا کمبودی را از آن ها پر کند، باز شما خودتان بروید مشغول شوید این خیلی لزومی ندارد؛ کارهای نشده و نکرده که شما باید انجام دهید، خیلی هست. نگاه کنید ببینید اولویت ها چیست. این هم یک مطلب.

مجموعه‌ها را از لحاظ مالی وابسته نکنید

... این طور که من اطلاع دارم، کارهای خوبی انجام می‌گیرد به خصوص که تشریفات و گرفت‌و‌گیری‌های تشکیلاتی و بروکراسی در میان نیست، لکن اگر بتوانید به جای کمک مالی، آن جاهایی که ممکن است - یک جاهایی هست که احتیاج به کمک مالی است، بدون آن امکان ندارد کار پیش برود- اما یک جاهایی هست که کمک‌های مالی می‌تواند تبدیل شود به زمینه‌سازی برای روی پا ایستادن، این‌ها باشد، که شما خودتان هم گفتید که بعضی‌ها می‌گویند که با ما این طور رفتار کنید، درست هم همین است. یعنی شما اگر چنان‌چه مثلاً وسیله پخش محصولات آن‌ها را فراهم بکنید، این‌ها احتیاج به کمک مالی شما ندارند. یعنی به خودتان وابسته نکنید مجموعه‌ها را، این محاذیری دارد، یعنی در آینده مشکلاتی را برای شما و برای آن‌ها فراهم می‌کند.

عملیات را بگذارید بر عهده دیگران

مطلب دیگر این است که تشکیلاتتان را حتی المقدور ستادی نگه دارید و حتی المقدور وارد صف نشوید، صف را به عهده همین مجموعه های مردمی بگذارید. بنشینید تدبیر کنید. هدایت کنید، مدیریت کنید، مدیریت به معنای مورد نظر در این قضایا، نه به معنای تصدی گری. در واقع یک مرزی برای خودتان قائل بشوید بین صف و ستاد؛ و حتی المقدور وارد کارهای عملیاتی نشوید، عملیات را بگذارید به عهده دیگران و شما بنشینید تدبیر کنید. یک کار به این وسعت، به نظر می رسد که اگر بخواهد ادامه پیدا کند، این بیشتر امید موفقیت در آن است.

همه را توجه بدهید به خودسازی

یک نکته دیگری هم که لازم است توجه کنید این است که شماها که گردانندگان این کار هستید در بخش‌های مختلف، هم خودتان و هم کسانی که با شما مربوط هستند را توجه بدهید به خودسازی. ببینید شما اشاره کردید به جهاد اکبر و جهاد اصغر، جهاد اکبر این است، یعنی اگر ما توانستیم، با بُت درونی و شیطان درونی مبارزه کنیم در همه این میدان‌ها پیروزیم. اگر آنجا شکست خوردیم و مغلوب شدیم، در این میدان‌ها پیروزی پیدا نخواهیم کرد. حالا ممکن است در این میدان‌ها جوله‌ای یک وقت انسان پیدا کند اما دولت حق نخواهد شد، آنجا را بایستی علاج کرد، درون مان را باید درست کنیم. مراقب باشند جوان‌هایی که متصدی بخش‌های مختلف هستند که تقوا را، پرهیزگاری را و پاکدامنی را در درون خودشان تقویت کنند، این‌ها چیزهای لازمی است. اگر این را ما توجه نکردیم و رعایت نکردیم کمیت مان لنگ خواهد بود در بسیاری جاها گوناگون، به خصوص در کارهای اساسی و حساس.

در زمینه مالی؛ نظارت مؤمنانه لازم است

در زمینه های مالی هم، من اعتقادم این است که همان جاهایی که کمک می کنید و باید کمک کنید، یک نظارت مؤمنانه و نه نظارت دیوان سالارانه لازم است و باید وجود داشته باشد. بالاخره نگاه کنید ببینید چه قدر هزینه می کنید، کجا و چطور هزینه می کنید؛ به این ها توجه کنید، این طور نباشد که یک بی حساب و کتابی تلقی بشود.

نَفَس تان را نفس عمیق قرار دهید

کارها، کارهای بسیار مهمی است آنچه که شما به آن همت گماشته‌اید، مهم این است که کار ادامه پیدا کند. نَفَس تان را نفس عمیق قرار بدهید، نگذارید نَفَس تان بین راه قطع بشود. البته این الزاماتی دارد؛ اگر می‌خواهید نفس تان، نفس عمیقی باشد، الزاماتی دارد؛ هم الزامات روحی و معنوی و هم الزامات مدیریتی و تدبیری دارد و اگر چنانچه به این الزامات توجه نشود کار چنانچه باید و شاید ادامه پیدا نخواهد کرد. به هر حال این‌ها چیزهایی است که باید رعایت کرد. ممکن است من برخی از تذکراتی که لازم است را بعداً به شما منتقل کنم.

از گسترش نفوذ و کلمه در مسائل زودبازده استفاده نکنید: مثل انتخابات!

یک چیز مهم که الان به این مناسبت، به خصوص در این برههٔ زمانی لازم است عرض کنم، از گسترش نفوذ و کلمه در سطح کشور در مسائل زودبازده، سعی کنید استفاده نشود. مثل انتخابات و... حیف است که کار وسیع فرهنگی را که انسان می‌خواهد انجام دهد، این را وسیله‌ای قرار بدهد که در انتخابات یکی جلو بیاید و یکی عقب برود. به نظر من حیف است این تشکیلات را تا جایی که ممکن است صرف این جور کارهای زودبازده کنید. البته من انتخابات را به عنوان مثال گفتم.

هدف والا یعنی ایجاد یک تمدن اسلامی به معنای حقیقی کلمه

این کارها را باید برای تقویت بنیه فرهنگی به کار برد. ما باید یک بنیه فرهنگی قوی هم در خودمان، هم در مجموعه نظام و هم در تک تک مردم به وجود بیاوریم. ما اگر بخواهیم به آن هدف والا یعنی ایجاد یک تمدن اسلامی به معنای حقیقی کلمه، که در آن هم دنیا هست و هم آخرت، هم عزت در ملاء اعلی هست و هم عزت در روی زمین؛ این آن هدفی است که ما داریم.

اگر بخواهیم به این برسیم که این خودش وسیله‌ای است برای تعالی معنوی روح انسان و عبودیت واقعی که خدای متعال، ما را برای آن خلق کرده، اگر این‌ها را بخواهیم دسترسی پیدا کنیم، احتیاج داریم خیلی کار بکنیم، خیلی تلاش بکنیم و بنیه قوی لازم داریم برای پیشرفت. باید بنیه فرهنگی خود را قوی کنیم، بنیه آحاد مردم و تک تک مردم را. ان شاء الله خداوند متعال به شما توفیق بدهد و کمک‌تان کند.

ادامه راه با استحکام زیرساخت‌ها ممکن است

سوال مطرح کردید «ادامه راه چگونه خواهد بود؟»، من عرضم این است که ادامه راه با استحکام زیرساخت‌ها ممکن است. اگر چنانچه زیرساخت‌ها را محکم کردید، کار در ادامه آسان خواهد شد.

چراغ خاموش، بی تابلو، بدون انتساب

هرچه بی سرو و صداتر حرکت کنید بهتر است. تعبیر چراغ خاموش، که چند نفر از دوستان مطرح کردند تعبیر خوب و درستی است. منتها بعضی کارهایی که گفتید خیلی هم چراغش خاموش نیست. بعضی کارها بروز و ظهور بیرونی هم دارد، در یک حدی لازم است، اشکالی هم ندارد، اما هرچه بی سرو و صدا و بی انتساب وجود داشته باشد، بهتر است.

بارها ما عرض کردیم برخی‌ها، کار را نکرده، تابلو می‌زنند. از یک جاده‌ای بنده عبور می‌کردم نزدیک یک شهری، چند سال همان طور از آن جا عبور می‌کردیم یک تابلویی من دیدم روی زمین افتاده، یک چیزی روی آن نوشته‌اند، روی زمین هم افتاده. امسال افتاده بود، سال قبل افتاده بود، بعد هم نرفتیم ببینیم، شاید تا حالا هم، آدم برود، تابلوی آن بالا باشد و زمین هم همین طور افتاده باشد. این فایده‌ای ندارد. بعضی جاها هست که هیچ تابلویی هم ندارد اما جوشش کار و حرکت آن جا فراوان است، این با ارزش است.

شماها را دعا می‌کنیم...

... ما که شماها را دعا می‌کنیم اما خوب وقتی آدم کار را می‌بیند گرم تر دعا می‌کند. انسان گرم تر دعای عاقبت به خیری می‌کند.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

نشست های یک روزه
هر ماه یکبار به صورت مستمر
با حضور اساتید جبهه فکری و فرهنگی



رویداد آموزش فرهنگ

جهت‌آورد

...اینکه گفتیم
جوان های مومن و انقلابی
کارهای فرهنگی
خودجوش
را رها نکنند و
دستگاه های
فرهنگی کشور
در این جهت
حرکت کند
این بخش
فرهنگی
عدم تبعیت و
جهاد کبیر است.

امام خامنه ای - ۹۵/۳/۳

باهدف:

معرفت افزایی و توانمندسازی فعالان فرهنگی
هم جوشی و شبکه سازی مجموعه های خودجوش فرهنگی استان
شناسایی و معرفی ظرفیت های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

محورهای تخصصی:
گفتمان انقلاب اسلامی
مهارت های تشکیلاتی
مدیریت فرهنگی
سواد رسانه ای
مباحث خانواده
بینش سیاسی
تربیت انقلابی
و...



را واجب تر و فوری تر احساس می کنم
تجمع اصحاب حق
هر چه زمان می گذرد
بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار
هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور
بیست و دوم آبان ۱۳۹۳

موسسه هنری

هیات مذهبی

موقعاژمی

کانون مساجد

تشکیل تربیتی

ثبت نام:

با ارسال پیامک به شماره ۰۹۹۱۵۷۵۸۲۹۱

پیام رسان سروش به آدرس @Kolbe_Andishe_Farhang

مرکز مطالعات
و پژوهش
کلبه اندیشه